



مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی و مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی زنان مقایسه مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی، مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی و راهبردهای مقابله‌ای در موقعیت‌های استرس‌زا در زنان بزهار و عادی^۱

نرگس باباخانی^۲، هانیه بدیعی^۳

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران، نویسنده مسئول: babakhani@riau.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران، badiiee.riau@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر، «مقایسه مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی، مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی و راهبردهای مقابله‌ای در موقعیت‌های استرس‌زا در زنان بزهار و عادی شرق استان تهران» بود. روش: روش پژوهش از نوع علیّی مقایسه‌ای و جامعه آماری شامل کلیه زنان بزهار شهرهای شرقی استان تهران (قرچک، ورامین، بومهن، پیشوا، دماوند، پردیس، رودهن، دماوند، فیروزکوه، آبسرد، آبعلی، کیلان، ارجمند و جوادآباد) در سال ۱۳۹۵ بود که از میان این شهرها به شیوه تصادفی، چهار شهر ورامین، رودهن، فیروزکوه و پیشوا انتخاب شد. نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ نفر به تفکیک گروه‌ها، ۱۰۰ نفر از زنان عادی و ۱۰۰ نفر از زنان بزهار به عنوان نمونه مطالعه و مقایسه انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان با سه پرسش‌نامه دشواری تنظیم هیجان (DERS)، راهبردهای مقابله با استرس لازاروس و فولکمن و سازگاری اجتماعی اقتباس شده از پرسش‌نامه شخصیت کالیفرنیا (CPI) مورد ارزیابی قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج آزمون t جهت مقایسه دو گروه زنان بزهار و عادی نشان داد، سازگاری اجتماعی و بعضی از مؤلفه‌های آن (کنترل بر خود و تحمل‌پذیری) در زنان بزهار کمتر از زنان عادی است. همچنین، مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی (رفتار هدفمند، کنترل تکانه، آگاهی هیجانی، دسترسی به راهبردها، شفافیت هیجانی) و کل توانایی تنظیم هیجانی زنان بزهار به صورت معناداری کمتر از زنان عادی است. زنان بزهار نسبت به زنان عادی بیشتر از راهبردهای هیجان مدار و کمتر از راهبردهای مسئله مدار استفاده می‌کنند و در کل، زنان بزهار نسبت به زنان عادی کمتر از راهبردهای مقابله‌ای استفاده می‌کنند.

نتیجه‌گیری: روش‌های مقابله با استرس، خودتنظیمی هیجانی و سازگاری اجتماعی بزهاران با افراد عادی متفاوت است و این نشان می‌دهد، این عوامل به عنوان عوامل پیشگیری از بزهار و کمک به افراد، در افزایش سازگاری با تغییرات و عوامل فشارزا مؤثر است.

کلید واژه‌ها: سازگاری اجتماعی، راهبردهای مقابله‌ای، راهبردهای مسئله مدار، راهبردهای هیجان مدار، مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی، زنان بزهار.

◀ استناد (به شیوه APA ویرایش ۶): باباخانی، نرگس؛ بدیعی، هانیه (بهار و تابستان ۱۳۹۷). مقایسه مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی، مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی و راهبردهای مقابله‌ای در موقعیت‌های استرس‌زا در زنان بزهار و عادی. *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۶ (۱)، ۵-۲۴.

۱. مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «مقایسه خودتنظیمی هیجانی و راهبردهای مقابله با استرس در ایجاد سازگاری اجتماعی زنان بزهار و عادی شهرستان‌های شرق استان تهران» بوده است.



مقدمه

معضل بزهکاری یکی از مشکلات عصر حاضر است که یافته‌ها به وضوح تأثیر آن را بر آموزش، بهداشت، اقتصاد و سیستم قضایی نشان می‌دهد (دئوتچ و همکاران، ۲۰۱۲؛ به نقل از کارول، گوردون، هاینس و هوگتون^۱، ۲۰۱۳، ص ۴۳۲). بزهکاری به جرمی گفته می‌شود که در چارچوب قوانین تعریف می‌شود و پیگرد قانونی دارد (باباخانی، بدیعی و پاکدامن ساوجی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷). اعمالی مانند قتل، دزدی، نزاع، تخریب، کلاهبرداری، تجاوز، غارت، وحشی‌گری و آتش‌افروزی به‌عنوان رفتارهای بزهکارانه تلقی می‌شوند و تقریباً تمامی جوامع در تعریف آن اتفاق نظر دارند (نواه و کوهپایی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴).

یکی از معضلاتی که می‌تواند ناشی از تغییرات و تحولات زنان باشد، پدیده جرم و بزهکاری در زنان است. امروزه حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، باعث تغییرات و تحولاتی در ابعاد شناختی، روانی، اجتماعی و عاطفی هیجانی آن‌ها شده است که می‌تواند همانند تیغ دو لبه، اثرات مثبت و برعکس، اثرات منفی بر زنان، خانواده و جامعه‌شان داشته باشد. همچنین، زنان بزهکار امروز، می‌توانند مادران آینده بوده و مجرم بودن آن‌ها، تأثیر بسیار زیادی در تربیت فرزندان و نسل آینده‌ساز جامعه دارد. بنابراین، شناسایی عواملی تأثیرگذار بر بزهکاری زنان به‌عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه، از مهم‌ترین مسائلی است که باید مورد تحقیق قرار گیرد.

عوامل بسیاری بر پدیده بزهکاری و جرم در زنان دخالت دارند که به‌طور کلی شامل عوامل فردی، اجتماعی و اقتصادی است. تحقیقات نشان داده‌اند بین دو گروه از زنان بزهکار و غیر بزهکار از نظر اعتیاد همسر، ازهم‌گسیختگی خانوادگی و وضعیت اقتصادی تفاوت معنادار وجود دارد (شایگان و معتمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۳). در بررسی عوامل فردی، یافته‌های پژوهشی تجربی، وجود برخی از نارسایی‌های شناختی، رفتاری و اخلاقی در افراد مجرم را مورد تأیید قرار داده است. از مهم‌ترین این نقص‌ها می‌توان به سازگاری پایین، ناتوانی در خودکنترلی، ناتوانی در حل مشکلات بین شخصی، نداشتن تفکر انتقادی و استدلال اخلاقی، شناخت اجتماعی، هم‌دلی، حل مسائل اجتماعی، ادراک اجتماعی و سبک‌شناختی معیوب اشاره کرد. این نقص‌ها باعث کمبود مهارت‌های اجتماعی مناسب می‌شود و موجبات ارتکاب و رفتارهای پرخطر را فراهم می‌آورند (تامس و جکسون^۲، ۲۰۰۳؛ به نقل از نریمانی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۶). چان و چویی^۳ (۲۰۱۵) نشان دادند بین خودکنترلی و رفتارهای خشونت‌آمیز و بزهکاری، رابطه معکوس وجود دارد؛ به همین علت، آن‌ها پیشنهاد می‌کنند با افزایش خودکنترلی، تمایل بزهکاران را برای فعالیت‌های بزهکاری را می‌توان کاهش داد. تاراتینو، لامیس، دوریان، بالارد، ماسودا و

1. Carroll, Gordon, Haynes, Houghton

2. Thoms and Jackson

3. Chan, Chui

ووراک^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود با بررسی درگیری والدین و استفاده از مواد مخدر در دختران مقطع دانشگاهی با میانجی‌گیری خودکنترلی و ذهن آگاهی، نشان دادند با وجود نقص در کنترل خود میانجی‌گر، ارتباط مثبت بین درگیری والدین و فرزند و احتمال وقوع مشکلات مربوط به مواد مخدر است.

یکی از نارسایی‌ها در افراد مجرم و بزهکار، نارسایی اجتماعی یا ناتوانی در سازگاری اجتماعی است که با سلامت روان نیز در ارتباط است (ابوالقاسمی و احمدی و کیامرثی، ۱۳۸۶؛ عباسی نیا، هاشمیان و باباخانی، ۲۰۱۲؛ رحمتی، ادیب راد، طهماسیان و صادق پور، ۲۰۱۰ و سینها، ۲۰۱۰) که زنان جامعه از این قاعده مستثنی نیستند. از همین رو، یکی از موضوعات مورد بررسی در زنان بزهکار و مجرم، سازگاری اجتماعی است. «انجمن روان‌پزشکی آمریکا» در سال ۱۹۹۴ سازگاری اجتماعی را عبارت می‌داند از هماهنگ ساختن رفتار به‌منظور برآورده ساختن نیازهای محیطی که غالباً مستلزم مهار تکانه‌ها، هیجان‌ها یا نگرش‌ها است (حجازی و امیری، ۱۳۸۵، ص ۵۵). سازگاری اجتماعی با ایجاد تعادل میان خواسته‌های فرد و انتظارات جامعه، کلیه ابعاد زندگی فرد را تحت تأثیر قرار خواهد داد که در این راستا، صدی دمیرچی و محمدی (۱۳۹۵) نشان دادند که زنان معتاد در مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی و خودتنظیمی در سطح پایینی هستند؛ بنابراین می‌توان گفت، زنان بزهکار در شمار یکی از گروه‌های متعدد ناسازگار و نابهنجار اجتماعی هستند (عطاری و شهنی بیلاق، ۱۳۸۴، ص ۲۸).

یکی دیگر از نارسایی‌ها در افراد مجرم و بزهکار، توانایی حل مسئله و مواجهه نامناسب با استرس‌های زندگی است. همان‌طور که گفته شد، در شرایط امروز جامعه، همه به‌خصوص زنان به نحوی تحت فشار هستند که در زمان کمتر، کار بیشتری انجام دهند و نقش‌های متعددی را ایفا کنند. بنابراین، زنان بیشتر در شرایط استرس‌زا و رویدادهای پرفشار زندگی قرار می‌گیرند (تیلور، ۲۰۰۵؛ به نقل از عباسی نیا، ۱۳۹۰، ص ۷۹). البته همه زنان به فشار روانی، واکنش یکسان نشان نمی‌دهند. در مقابله با استرس، بعضی از زنان دچار مشکلات هیجانی و جسمی شدید می‌شوند؛ در حالی که برای زنان دیگر ممکن است تجربه‌ای جالب و مهیج باشد. این تفاوت، در به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای یا سبک مقابله‌ای آن‌ها است که به آن، کنار آمدن هم می‌گویند. سبک‌های مقابله‌ای، به تلاش‌های شناختی و رفتاری برای جلوگیری، مدیریت و کاهش استرس می‌گویند که این تلاش‌ها می‌توانند فعالانه یا منفعلانه باشند (لازاروس و فولکمن^۲؛ به نقل از پتلی و توماکا^۳، ۲۰۰۲، ص ۹۱). در این زمینه، محققان دو بعد کلی از سبک‌های مقابله‌ای را مشخص کرده‌اند: سبک مسئله مدار و هیجان مدار. سبک‌های حل مسئله شامل اقدام مستقیم برای حل مسئله یا جستجوی اطلاعاتی است که با راه‌حل مسئله مرتبط است (هرن و میشل^۴، ۲۰۰۳، ص ۴۲). سبک‌های مسئله مدار شامل راهبردهای مسئله‌گشایی، ارزیابی مثبت دوباره، مسئولیت‌پذیری و

1. Tarantino, Lamis, Dorian, Ballard, Masuda, Dvorak

2. Lazarus & Folkman

3. Penley & Tomaka

4. Haren & Mitchell



جستجوی حمایت اجتماعی با توجه به نقش فعال افراد در رویارویی با استرس است. سبک هیجان مدار نیز شامل تلاش برای کاستن از واکنش‌های هیجانی منفی به فشار روانی است (فولکمن و موسکوویتز^۱، ۲۰۰۴، ص ۷۴۸). شیوه‌های مقابله با استرس، بر سطح عزت‌نفس و اضطراب اجتماعی و سازگاری اجتماعی افراد اثرگذار بوده (میجر، سینما، بیجسترا، میلنبرگ و ولترز^۲، ۲۰۰۲) و آموزش این مهارت‌ها باعث کاهش مشکلات اجتماعی و افزایش سازگاری اجتماعی (رامشت و فرشاد، ۱۳۸۳) و سلامت روان (افشانی و عباسی، ۱۳۹۳ و چیناوه، ایشاک، صالح^۳، ۲۰۱۰) می‌شود. بنابراین، زانی که مهارت‌های مقابله‌ای مناسب را در موقعیت‌های استرس‌زا به کار می‌گیرند، بهتر قادرند با نیازها و چالش‌های زندگی مقابله کنند و اثرات مخرب استرس را بر جسم و روان خود کاهش دهند و دچار کج‌روی‌ها و رفتارهای نابهنجار اجتماعی شوند.

یکی دیگر از نارسایی‌های شناختی رفتاری و هیجانی زنان بزهکار و مجرم، تنظیم هیجانات است. خود تنظیمی هیجانی به معنای درون‌ریزی هیجان‌ها نیست؛ بلکه به مدیریت چگونگی، شدت و مدت‌زمان واکنش‌های هیجانی در تحقق اهداف اشاره دارد (پورین، ندر - گراسیوس و دینون^۴، ۲۰۱۳، ص ۲۷۷۹). فرد برای کنترل رویدادهای هیجانی، از تنظیم هیجان استفاده می‌کند که نشان می‌دهد تنظیم هیجان‌ها هم فرآیندهای درونی و شناختی هستند و هم فرآیندهای اجتماعی که فرد در رفتارهای اجتماعی، رفتار همدلانه و رفتارهای مرتبط با قوانین و تعامل اجتماعی از خود نشان می‌دهد (ایزبرگ و لوسویا^۵، ۱۹۹۷). رشد تنظیم هیجان، اثرات قابل ملاحظه‌ای را در رفتار فرد دارد؛ به‌ویژه باعث تعاملات مثبت با دیگران می‌شود (پورین، ندر - گراسیوس و دینون^۶، ۲۰۱۳ و گاردنر، دیشون و کانل^۷، ۲۰۰۸). نتایج یافته‌های پری، کالکینز، دلار، کیثانی و شاناهان^۸ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد توجه به کنترل مهارکننده‌های رفتاری و خودتنظیمی هیجانی از آنجایی که باعث کاهش هنجارهای رفتارهای خارجی در زندگی افراد می‌شود، حائز اهمیت است. نتایج مطالعات نشان داده است، بد تنظیمی هیجانی باعث افزایش احتمال گرایش به بزهکاری (اوربیک^۹، همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از رضایی، ۱۳۸۶ و پری، کالکینز، دلار، کیثانی، شاناهان^{۱۰}، ۲۰۱۷)، تمایل به مصرف مواد (نیک منش، کاظمی و خسروی، ۲۰۱۴؛ بخشی پور، علیلو و ایرانی، ۲۰۱۲؛ جان و رایبیز و پروین^{۱۱}، ۲۰۱۱ و نجفی و احمدی طهور سلطانی، ۱۳۹۰) و سوء رفتار و خشونت می‌شود (کلائس، بیجتیبیر، وندنایند، میشل، فابر و دژوان^{۱۲}، ۲۰۱۰). حسینی (۱۳۹۳) و صفروپور (۱۳۹۳) در نتایج خود نشان دادند زنان

1. Folkman & Moskowitz

2. Meijer, Sinnema, Bijstra, Mellenbergh, Wolters

4. Burain, Nader – Grosbois and Dionne

6. Burain, Nader – Grosbois and Dionne

8. Perry, Calkins, Dollar, Keane, Shanahan

10. Perry, Calkins, Dollar, Keane, Shanahan

12. Claes, Bijttebier, Van den Eynde, Mitchell, Faber, De Zwaan

3. Chinaveh, Ishak, & Salleh

5. Eisenberg, Losoya

7. Gardner, Dishion and connell

9. Orbeek et al

11. John, Robins, Pervin

معتاد و بزهکار در زمینه تنظیم هیجانات، دشواری بیشتری نسبت به زنان عادی دارند. هر چه شدت هیجان‌های منفی در آن‌ها بیشتر باشد، ممکن است افراد بزهکار بیشتر به مصرف مواد مخدر یا الکل، شراب‌خواری، بی‌خوابی، روابط نامشروع یا سرزنش خود بپردازند. این راه‌حل‌های موقتی ممکن است در کوتاه‌مدت برای آن‌ها مؤثر باشند، اما خود تبدیل به یک مشکل بزرگ‌تر می‌شوند (لی‌هی، تیرچ و ناپولیتانو^۱، ۲۰۱۱، صص ۳-۲؛ کوپر، روسل، اسکینر، فرون و مودار^۲، ۱۹۹۲). همچنین، سینگلتون و همکاران (۱۹۹۸) دریافتند ۲۰ درصد از زنان زندانی انگلستان دارای اختلال شخصیت مرزی هستند. تکانش‌گری بالا، این افراد را به سوی رفتارهای پرخطر و جرم خیز مانند قماربازی، سوءمصرف مواد، روابط جنسی نامتعارف و نابهنجار سوق می‌دهد (به نقل از خانجانی، ارغوانیان و مهدویان، ۱۳۹۰، صص ۶۴)؛ زیرا تکانش‌سوری، بی‌ثباتی عاطفی و هیجانی و فرونشانی به‌عنوان راهبرد منفی، توان پیش‌بینی تکانش‌گری شخصیت مرزی را دارند (علیلو و همکاران، ۱۳۹۱، صص ۱۴). شاپر و همکاران (۲۰۱۴) و اسکندری و هلمی (۲۰۱۴) در پژوهش‌های خود نشان دادند افراد با سطح هیجان خواهی، تکانش‌گری و ریسک‌پذیری بالا، مستعد اعتیاد و رفتارهای پرخطر جنسی هستند.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت، نادیده گرفتن یا توجه کمتر به بزهکاری زنان در آینده نه‌چندان دور، عواقب ناگواری را بر اجتماع تحمیل می‌کند و برعکس، تحقیق و پژوهش در حوزه‌های مختلف همچون پیشگیری، درمان، آموزش و پژوهش و رفاه اجتماعی زنان بزهکار و مجرم، راه را برای کاهش آمار جرم و آسیب‌های اجتماعی در زنان هموار می‌سازد. علی‌رغم چند بعدی بودن علل بروز رفتارهای بزهکارانه، تا اندازه‌ای می‌توان از طریق مقایسه برخی از ویژگی‌های فردی افراد بزهکار و غیر بزهکار، به علل ایجاد بزهکاری آگاه شد. بر این اساس، هدف کلی این پژوهش، مقایسه مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی، مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی و راهبردهای مقابله‌ای در موقعیت‌های استرس‌زا در زنان بزهکار و عادی شرق استان تهران بود.

روش

این پژوهش از نظر هدف، از نوع کاربردی و از نظر شیوه اندازه‌گیری متغیرها، از نوع پژوهش‌های کمی است. روش پژوهش نیز توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان بزهکار شهرهای شرقی استان تهران (قرچک، ورامین، بومهن، پیشوا، دماوند، پردیس، رودهن، دماوند، فیروزکوه، آسپرد، ابعلی، کیلان، ارجمند و جوادآباد) در سال ۱۳۹۵ بود که از میان این شهرها، به شیوه تصادفی چهار شهر ورامین، رودهن، فیروزکوه و پیشوا انتخاب شدند. سپس با مراجعه به مراکز اصلاح و تربیت و زندان‌های زنان و مراکز مداخله در بحران بهزیستی شهرها، لیست اسامی زنان و دختران بزهکار که تا زمان تحقیق مرتکب جرم از لحاظ قانونی شده بودند،

1. Leahy, Tirch.Napolitano

2. Cooper, Russel, skinner, frone, Mudar



دریافت شد و با توجه به شرایط مکانی و زمانی آن‌ها، جهت جمع‌آوری اطلاعات با گرفتن مجوز قانونی اقدام شد؛ اما گروه مقایسه با مراجعه به مراکز آموزشی شهرهای انتخاب شده براساس سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و موقعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده با گروه مطالعه هم‌تاسازی و انتخاب شدند. در نهایت، کل نمونه ۲۰۰ نفر، به تفکیک گروه‌ها ۱۰۰ نفر از زنان عادی و ۱۰۰ نفر از زنان بزهکار به‌عنوان نمونه، مطالعه شدند. داده‌های پژوهش به‌وسیله سه پرسش‌نامه مقیاس دشواری تنظیم هیجان (DERS) گراتز و روئمر^۱ (۲۰۰۴)، راهبردهای مقابله با استرس لازاروس و فولکمن (۱۹۸۵) و پرسش‌نامه سازگاری اجتماعی اقتباس از آزمون شخصیت کالیفرنیا (CPI) گردآوری شد. در ادامه، اطلاعات هریک از پرسش‌نامه‌ها به ترتیب به تفصیل بیان می‌شود.

- **پرسش‌نامه مقیاس دشواری‌های تنظیم هیجانی (DERS):** یک شاخص خود گزارشی است که برای ارزیابی دشواری‌های موجود در تنظیم هیجانی توسط گراتز و روئمر (۲۰۰۴) تهیه شد. در پژوهش این محققان، تحلیل عاملی، وجود ۶ عامل عدم پذیرش پاسخ‌های هیجانی، دشواری در انجام رفتار هدفمند، دشواری در کنترل تکانه، فقدان آگاهی هیجانی، دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی و عدم وضوح هیجانی را نشان داد. نتایج حاکی از آن بود که این مقیاس از همسانی درونی بالا (۰/۹۳) برخوردار بوده و هر شش زیر مقیاس DERS، آلفای کرونباخ بالای ۰/۸ داشتند. همچنین، DERS دارای همبستگی معناداری با مقیاس NMR و پرسش‌نامه پذیرش و عمل^۲ (هایز و همکارانش) نشان داد (گراتز و روئمر، ۲۰۰۴). علوی و همکاران (۱۳۹۰)، ضرایب اعتبار همسانی درونی برای کل مقیاس‌ها (۰/۸۶) و برای خرده مقیاس‌های عدم پذیرش (۰/۷۵)، رفتار هدفمند (۰/۷۴) کنترل تکانه (۰/۷۶)، آگاهی هیجانی (۰/۶۳)، دسترسی به راهبردها (۰/۷۴) و شفافیت هیجانی (۰/۸۵) گزارش کرده است. در این پژوهش، همسانی درونی این پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر با ۰/۷۹ محاسبه شد که در تحقیقات، همسانی نسبتاً خوبی را نشان می‌دهد.

- **پرسش‌نامه سبک‌های مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (۱۹۸۵):** این پرسش‌نامه، چهار سبک مسئله مدار (حل مسئله، ارزیابی مثبت دوباره، مسئولیت‌پذیری و جستجوی حمایت اجتماعی) و چهار سبک هیجان مدار (رویارویی مستقیم، خویشتن‌داری، اجتنابی و انکار) را بررسی می‌کند که پرسش‌نامه‌ای ۶۶ ماده‌ای بوده و دامنه وسیعی از افکار و اعمالی که افراد هنگام مواجهه با شرایط فشارزای درونی یا بیرونی بکار می‌برد را ارزیابی می‌کند. ۱۶ عبارت این آزمون انحرافی هستند و ۵۰ عبارت دیگر، شیوه مقابله فرد را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این پرسش‌نامه دارای هشت خرده مقیاس است که مقابله مستقیم با ۶ گویه، فاصله گرفتن با ۶ گویه، خودکنترلی با ۷ گویه، طلب حمایت اجتماعی با ۶ گویه، پذیرش مسئولیت با ۴ گویه، اجتناب با ۸ گویه، حل مسئله با ۶ گویه و ارزیابی مجدد مثبت با ۷ گویه اندازه‌گیری می‌شود. ضریب پایایی به‌دست آمده توسط

1. Gratz and Roemer

2. Acceptance and Action Questionnaire (AAQ)

لازاروس و فولکمن (۱۹۸۵) برای هر یک از خرده مقیاس‌های سبک مسئله مدار از ۶۰ تا ۷۵ صدم و برای خرده مقیاس‌های سبک هیجان مدار، ۶۶ تا ۷۹ صدم گزارش شده است. رستمی (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود، اعتبار این آزمون را براساس آلفای کرونباخ در کل مقیاس برابر با ۰/۸۷ گزارش کرد. در این پژوهش، همسانی درونی سؤال‌ها در سبک مسئله مدار، ۰/۸۹ و در سبک هیجان مدار، ۰/۸۱ به دست آمد.

– **پرسش‌نامه سازگاری اجتماعی:** این پرسش‌نامه از آزمون شخصیت کالیفرنیا (CPI) اقتباس شده است که اولین بار، گاف (۱۹۴۸) برای سنجش ویژگی‌های شخصیتی پایدار میان فردی در یک جامعه بهنجار ساخته است. ۲۰۷ سؤال، میزان سازگاری اجتماعی را ارزیابی می‌کند که شامل مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری، اجتماعی بودن، کنترل خود، تحمل‌پذیری، مطلوب‌نمایی و همکاری است. نحوه پاسخگویی به صورت «بلی» یا «خیر» است. در پژوهشی، برادرشاد، معنوی پور و باغدارساریانس (۱۳۹۰) برای برآورد ضریب اعتبار پرسش‌نامه روان‌شناختی کالیفرنیا از فرمول کلی ضریب آلفای کرونباخ استفاده کرده و اعتبار کلی ۱۹۵ سؤال پس از حذف ۳۵ سؤال نامناسب، معادل ۰/۹۴۴ به دست آوردند که نشان‌دهنده اعتبار بالای آزمون بود. این محققان، ضریب اعتبار این آزمون را در مقیاس‌های اجتماعی بودن (۰/۷۲۴)، تندرستی (۰/۸۸۰)، مسئولیت‌پذیری (۰/۸۳۲)، کنترل خود (۰/۸۵۳)، تحمل‌پذیری (۰/۷۲۲)، مطلوب‌نمایی (۰/۸۲۲) و همکاری (۰/۷۷۳) براساس فرمول کلی آلفای کرونباخ به دست آوردند. در این پژوهش، جهت بررسی همسانی درونی سؤال‌های سازگاری اجتماعی که از پرسش‌نامه شخصیت کالیفرنیا استخراج شده است، با روش آلفای کرونباخ ($\alpha = 0/82$)، میانگین نمره استاندارد برابر ۵۰ و انحراف استاندارد برابر ۱۰ است. این بدین معنی است که از لحاظ نظری، حدود ۹۵ درصد از جمعیت در هر مقیاس باید نمره استاندارد بین ۳۰ و ۷۰ داشته باشند.

یافته‌ها

نمونه مطالعه (زنان بزهکار)، ۱۰۰ نفر و نمونه مقایسه (زنان عادی) هم ۱۰۰ نفر بودند. از نظر تحصیلات، ۳ نفر از افراد بزهکار و ۲ نفر از افراد عادی، بی‌سواد بودند. ۱۰ نفر از افراد بزهکار و ۱۲ نفر از افراد عادی، تحصیلات راهنمایی و بیشتر افراد تحصیلات دبیرستانی داشتند (۶۵ نفر عادی و ۶۴ نفر بزهکار). به غیر از ۲ نفر از بزهکاران که تحصیلات فوق‌دیپلم داشتند، هیچ‌یک از افراد نمونه، تحصیلات دانشگاهی نداشتند. از نظر تأهل، فقط ۲ درصد افراد متأهل و ۹۸ درصد مجرد بودند.

به منظور آگاهی از شاخص‌های توصیفی، میانگین و انحراف معیار، عملکرد آزمودنی‌ها در هر یک از متغیرهای مشاهده شده در هر سازه به صورت جداگانه و به تفکیک گروه‌های نمونه آورده می‌شود. همچنین، با توجه به نتایج بررسی شده، مفروضات آزمون‌های پارامتریک که شامل آزمون‌های کولموگروف – اسمیرنوف و آزمون لوین بود، نشان داد تمام سطوح معناداری در آزمون کولموگروف – اسمیرنوف و آزمون لوین بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، توزیع نمرات نرمال و واریانس گروه‌ها در این متغیرها همگن‌اند. بنابراین، با توجه به فاصله‌ای بودن همه مقیاس‌ها جهت مقایسه متغیرها در دو گروه زنان بزهکار و عادی، از آزمون پارامتریک تی (t) مستقل استفاده شد. نتایج آزمون



پارامتریک t و سطح معناداری آن نیز در جداول به شکل هم‌زمان نشان داده می‌شود. جهت بررسی فرضیه اول تحقیق مبنی بر این که «زنان بزهکار، سازگاری اجتماعی کمتری نسبت به زنان عادی دارند»، شاخص‌های توصیفی سازگاری اجتماعی همراه با مؤلفه‌های آن و نتایج آزمون t و سطح معناداری آن در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t مستقل در مقایسه میانگین سازگاری اجتماعی و مؤلفه‌های آن در دو گروه زنان بزهکار و عادی

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	نتایج آزمون T	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری	بزهکار	۱۶/۵۷	۴/۵۱		
	عادی	۱۹/۸۶	۳/۵۲	۵/۷۲	۰/۰۰۱
	کل	۱۸/۲۳	۴/۳۶		
اجتماعی بودن	بزهکار	۲۲/۷۶	۳/۹۴		
	عادی	۲۴/۵۴	۴/۱۸	۱/۳۵	۰/۱۷
	کل	۲۴/۱۵	۴/۰۷		
کنترل بر خود در مقابل دیگران	بزهکار	۲۰/۵۸	۶/۲۲		
	عادی	۲۳/۸۴	۴/۹۰	۴/۱۱	۰/۰۰۱
	کل	۲۲/۲۱	۵/۸۲		
تحمل‌پذیری	بزهکار	۱۳/۶۶	۳/۲۳		
	عادی	۱۴/۶۸	۳/۸۸	۲/۰۱	۰/۰۴۵
	کل	۱۴/۱۷	۳/۶۰		
مطلوب‌نمایی	بزهکار	۱۹/۸۲	۴/۱۴		
	عادی	۱۹/۴۴	۳/۳۸	-۰/۷۱	۰/۴۸
	کل	۱۹/۶۴	۳/۷۷		
همکاری	بزهکار	۱۵/۲۶	۳/۸۵		
	عادی	۱۵/۶۴	۳/۳۹	۰/۷۲	۰/۴۷
	کل	۱۵/۴۵	۳/۶۳		
سازگاری اجتماعی	بزهکار	۱۰۷/۷۸	۱۹/۸۶		
	عادی	۱۱۸/۱۲	۱۱/۶۹	۴/۴۳	۰/۰۰۱
	کل	۱۱۲/۸۹	۱۷/۰۵		

همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده می‌شود، دو گروه عادی و بزهکار در دو مؤلفه کنترل بر خود ($t=۴/۱۱$) و ($sig=۰/۰۰۱$) و تحمل‌پذیری ($t=۲/۰۱$ و $sig=۰/۰۴۵$) باهم تفاوت معنادار دارند؛ به‌گونه‌ای که میزان کنترل بر خود ($۲۰/۵۸$ در مقابل $۲۳/۸۴$) و تحمل‌پذیری ($۱۳/۶۶$ در مقابل $۱۴/۶۸$) زنان بزهکار کمتر از زنان عادی

است. همچنین، نمره کل میانگین سازگاری اجتماعی در دو گروه بزهدکار و عادی، تفاوت معنادار دارند ($t=4/43$ و $\text{sig}=0/001$)؛ به طوری که میانگین سازگاری اجتماعی زنان بزهدکار به صورت معناداری کمتر از زنان عادی است ($107/88$ در مقابل $118/12$). بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر این که «زنان بزهدکار، سازگاری اجتماعی کمتری نسبت به زنان عادی دارند»، با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد.

در بررسی فرضیه دوم تحقیق مبنی بر این که «دشواری در تنظیم هیجانات در زنان بزهدکار بیشتر از زنان عادی است»، شاخص‌های توصیفی دشواری در تنظیم هیجانات همراه با مؤلفه‌های آن و نتایج آزمون t و سطح معناداری آن در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t مستقل در مقایسه میانگین دشواری در تنظیم هیجانات و مؤلفه‌های آن در دو گروه زنان بزهدکار و عادی

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	نتایج آزمون t	سطح معناداری
عدم پذیرش هیجان	بزهدکار	۱۵/۷۶	۳/۶۸		
	عادی	۱۵/۳۰	۵/۰۱	-۰/۷۴	۰/۴۶
	کل	۱۵/۵۳	۴/۳۹		
دشواری در رفتار هدفمند	بزهدکار	۱۶/۷۰	۳/۳۸		
	عادی	۱۵/۳۲	۳/۵۳	۲/۸۲	۰/۰۰۵
	کل	۱۶/۰۱	۳/۵۲		
دشواری در کنترل تکانه	بزهدکار	۱۹/۴۸	۳/۵۵		
	عادی	۱۶/۸۸	۴/۸۲	-۴/۳۴	۰/۰۰۱
	کل	۱۸/۱۸	۴/۴۲		
فقدان آگاهی هیجانی	بزهدکار	۱۸/۵۰	۳/۰۵		
	عادی	۱۶/۷۴	۳/۱۲	-۴/۰۳	۰/۰۰۱
	کل	۱۷/۶۲	۳/۲۰		
عدم دسترسی به راهبردها	بزهدکار	۲۳/۶۸	۴/۳۸		
	عادی	۱۹/۲۶	۴/۵۶	۶/۹۷	۰/۰۰۱
	کل	۲۱/۴۷	۴/۹۸		
فقدان شفافیت هیجانی	بزهدکار	۱۴/۷۰	۲/۵۸		
	عادی	۱۲/۹۰	۳/۱۹	-۴/۳۸	۰/۰۰۱
	کل	۱۳/۸۰	۳/۰۳		
دشواری در خود تنظیمی هیجان	بزهدکار	۱۰۹/۳۶	۱۲/۰۴		
	عادی	۹۶/۸۴	۱۳/۶۵	-۶/۸۷	۰/۰۰۱
	کل	۱۰۳/۱۰	۱۴/۲۹		



همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده می‌شود، دو گروه عادی و بزهدار در همه مؤلفه‌های دشواری در تنظیم هیجانات یا خودتنظیمی هیجانی باهم تفاوت معنادار دارند؛ به غیر از عدم پذیرش هیجان ($t=0/74$) و $(sig=0/46)$. همچنین، نمره کل میانگین دشواری در تنظیم هیجانات در دو گروه بزهدار و عادی تفاوت معنادار دارند ($t=6/87$ و $(sig=0/001)$ ؛ به طوری که میانگین دشواری در تنظیم هیجانات زنان بزهدار به صورت معناداری بیشتر از زنان عادی است ($109/36$ در مقابل $96/84$). به عبارت دیگر، میزان خودتنظیمی هیجانی زنان بزهدار کمتر از زنان عادی است. بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر این که «زنان بزهدار، ناتوانی بیشتری در تنظیم هیجانات نسبت به زنان عادی دارند»، با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود.

در بررسی فرضیه سوم پژوهش مبنی بر این که «زنان بزهدار نسبت به زنان عادی، کمتر از راهبردهای مسئله مدار استفاده می‌کنند» و فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر این که «زنان بزهدار نسبت به زنان عادی، کمتر از راهبردهای مقابله‌ای استفاده می‌کنند»، شاخص‌های توصیفی به کارگیری دو راهبرد کلی مسئله مدار و هیجان مدار و در کل، راهبردهای مقابله‌ای و نتایج آزمون t و سطح معناداری آن در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t راهبردهای مقابله با استرس در مقایسه زنان بزهدار و عادی

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	نتایج آزمون t	سطح معناداری
راهبردهای هیجان مدار	بزهدار	۶۳/۹۸	۵/۳۷		
	عادی	۶۱/۱۲	۵/۹۷	۶/۱۲	۰/۰۰۱
	کل	۶۲/۵۵	۵/۸۴		
راهبردهای مسئله مدار	بزهدار	۵۰/۳۶	۸/۷۳		
	عادی	۵۶/۹۶	۶/۳۰	-۳/۵۵	۰/۰۰۱
	کل	۵۳/۶۶	۸/۲۸		
راهبردهای مقابله‌ای	بزهدار	۱۱۴/۳۴	۱۲/۲۹		
	عادی	۱۱۸/۰۸	۱۰/۱۸	۲/۳۴	۰/۰۲
	کل	۱۱۶/۲۱	۱۱/۴۱		

با توجه به مقدار $t=6/12$ و سطح معناداری $0/001$ ، نشان می‌دهد میزان به کارگیری راهبردهای هیجان مدار در زنان بزهدار با زنان عادی متفاوت است و با مقایسه میانگین‌ها ($63/98$ در مقابل $61/12$) نشان داده می‌شود، زنان بزهدار بیشتر از زنان عادی از راهبردهای هیجان مدار در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا استفاده می‌کنند.

همچنین، با توجه به مقدار $t=-3/55$ و سطح معناداری $0/001$ ، نشان می‌دهد میزان به کارگیری راهبردهای مسئله مدار در زنان بزهدار با زنان عادی متفاوت است و با مقایسه میانگین‌ها ($50/36$ در مقابل $56/96$) نشان

داده می‌شود، زنان بزهکار کمتر از زنان عادی از راهبردهای مسئله مدار در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا استفاده می‌کنند.

بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر این که «زنان بزهکار نسبت به زنان عادی، کمتر از راهبردهای مسئله مدار استفاده می‌کنند»، با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد.

در مجموع، در به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای (مسئله مدار و هیجان مدار)، با مقدار $t=2/34$ و سطح معناداری $0/02$ نشان می‌دهد میزان به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای در زنان بزهکار با زنان عادی متفاوت است و با مقایسه میانگین‌ها ($114/34$ در مقابل $118/08$) نشان داده می‌شود، زنان بزهکار کمتر از زنان عادی، از راهبردهای مقابله‌ای در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا استفاده می‌کنند. بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر این که «زنان بزهکار نسبت به زنان عادی، کمتر از راهبردهای مقابله‌ای استفاده می‌کنند»، با اطمینان ۹۵ درصد تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مقایسه سازگاری اجتماعی، ناتوانی در تنظیم هیجانی و به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای در زنان بزهکار و عادی انجام شد. نتایجی حاصل شد که به بحث و تبیین آن پرداخته می‌شود.

نتایج پژوهش نشان داد، فرضیه پژوهش مبنی بر این که «سازگاری اجتماعی زنان بزهکار، کمتر از زنان عادی است» با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد؛ یعنی سازگاری اجتماعی زنان بزهکار به‌صورت معناداری کمتر از زنان عادی است ($107/88$ در مقابل $118/12$). زنان بزهکار و عادی در دو مؤلفه کنترل بر خود و تحمل‌پذیری باهم متفاوت‌اند؛ به‌گونه‌ای که میزان کنترل بر خود ($20/58$ در مقابل $23/84$) و تحمل‌پذیری ($13/66$ در مقابل $14/68$) زنان بزهکار کمتر از زنان عادی است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های صفر پور (1393)، نریمانی و همکاران (1393)، ناس و کاسترو و کوپس (2005)، چان و چویی^۱ (2015) و صدری دمی‌رچی و محمدی (1395) همسو است.

براساس این یافته می‌توان گفت زنان بزهکار در شمار یکی از گروه‌های متعدد ناسازگار و نابهنجار اجتماعی هستند؛ به این معنی که در چارچوب یک اجتماع یا حتی یک گروه، بعضی از افراد می‌توانند خود را تابع قواعد و ممنوعیت‌های مورد قبول آن اجتماع یا گروه کنند، در حالی که بعضی از افراد، فاقد چنین ظرفیتی هستند. افرادی که به این تبعیت تن در نمی‌دهند، گروهی را تشکیل می‌دهند که از نظر روانی متجانس نیستند، ولی در عین حال، مکانیزم رفتار آن‌ها را می‌توان براساس مفاهیم روان‌شناختی روشن ساخت

1. Nas, De Castro, Koops

2. Chan, Chui



که بزهکاران در شمار این گروه هستند (عطاری و شهینی بیلاق، ۱۳۸۴، ص ۲۶). حال سؤال اساسی این است، چرا بعضی از زنان با اجتماع سازش نیافته‌اند و بزهکار شده‌اند؟ در پاسخ می‌توان گفت، تغییرات روز می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد مشکلات خاصی در زنان شود. هنگامی که زنان نمی‌توانند به‌طور موفقیت‌آمیز بر بحران‌ها و چالش‌های تحولی خود و جامعه غلبه کنند، پریشانی‌های روان‌شناختی را تجربه خواهند کرد و اختلال قابل‌ملاحظه‌ای در جریان بهنجار زندگی روزمره و جنبه‌های عاطفی، اجتماعی و شناختی بروز خواهد کرد که به دنبال آن، شخصیت زنان دچار اغتشاش می‌شود (گاربر، کیلی و مارتین^۱، ۲۰۰۲). هر چه میزان کنترل تکانه‌ها در افراد افزایش یابد، محبوبیت فرد در اجتماع بیشتر می‌شود و کارآمدتر و قدرت ابراز وجود بیشتری در اجتماع پیدا می‌کند. در این زمینه، زنان بزهکار نمی‌توانند تکانه‌ها و هیجانات خود را به درستی کنترل کنند، لذا قادر نیستند رفتارهای خود را با محیط اجتماعی هماهنگ کنند. از طرف دیگر، از جنبه‌های مهم سازگاری اجتماعی، استقلال، همدلی و مسئولیت‌پذیری است. فردی که رفتار همدلی در او پرورش یافته است می‌تواند عواطف و احساسات و رفتارهای دیگران را درک کند و خود را با انتظارات دیگران در جامعه هماهنگ کند. از مهم‌ترین تقیصه‌ها در زنان بزهکار می‌توان به سازگاری پایین، ناتوانایی در خودکنترلی، اتخاذ دیدگاه اجتماعی، همدلی، حل مسئله ادراک اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی و سبک‌شناختی معیوب اشاره کرد (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۳). امروزه، تحقیقات تأکید دارند مؤلفه کنترل خود به شکل ذهنی، احساسی و رفتاری عامل مهمی در کاهش رفتارهای بزه و جرم است (تارانینو، لامیس، دوریان، بالارد، ماسودا و ووراک^۲، ۲۰۱۵ و چویی، ۲۰۱۵).

نتایج تحقیق نشان داد، فرضیه پژوهش مبنی بر این که «خودتنظیمی هیجانی زنان بزهکار، کمتر از زنان عادی است»، با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد. به عبارت دیگر، میزان خودتنظیمی هیجانی زنان بزهکار کمتر از زنان عادی بود (۹۶/۸۴ در مقابل ۱۰۹/۳۶). این یافته با نتایج مطالعات حسینی (۱۳۹۳)، صفرپور (۱۳۹۳) و صدری دمیرچی و محمدی (۱۳۹۵) همخوان است.

براساس یافته پژوهش، می‌توان گفت زنان بزهکاران فاقد توانایی لازم برای کنترل هیجانات، استفاده از راهبردهای تنظیم هیجان به‌منظور مدیریت تکانه‌ها و پذیرش پاسخ‌های هیجانی و شفافیت در مورد هیجان‌اتشان هستند. دشواری در تنظیم هیجان باعث می‌شود تا زنان در رویارویی با موقعیت‌های تنش‌زای زندگی، توانایی تحمل، تصمیم‌گیری و انتخاب رفتار صحیح را از دست بدهند و به سوی رفتار سازش‌ناایافته سوق یابند. مشکلات فرد در کنترل تکانه‌ها، در زمان رویارویی با هیجانات منفی، به‌خوبی ارزیابی می‌شود. برای مثال، دختر جوانی که قطع یک رابطه صمیمانه را تجربه می‌کند، احساس ناراحتی، عصبانیت، پریشانی، ناامیدی یا حس

1. Garber, Keily & Martin

2. Tarantino, Lamis, Dorian, Ballard, Masuda, Dvorak

خودکشی را تجربه می‌کند. هر چه شدت این هیجان‌ها بیشتر باشد ممکن است فرد بیشتر به مصرف مواد مخدر یا الکل، روابط نامشروع یا سرزنش خود بپردازد. اختلال در تنظیم هیجان دختر جوان، ممکن است او را به سمت شکایت، خشم و حمله یا کناره‌گیری از دیگران هدایت کند. گاهی ممکن است در خصوص هیجان‌اتش فکر کند و بیاندهد که واقعاً چه اتفاقی در حال وقوع است؟ که این مسئله، خود منجر به افسردگی شدید و انزوا و عدم تحرک وی می‌شود. این افراد معمولاً راهکارهای موقتی را که موجب کاهش موقتی برانگیختگی می‌شوند را انتخاب می‌کنند؛ برای مثال، نوشیدن الکل، اجتناب، نشخوار فکری و سوءمصرف مواد. این راهکارهای موقت، ممکن است در کوتاه‌مدت مؤثر باشند، اما خود تبدیل به یک مشکل اساسی می‌شوند (لی هی، تیرچ و ناپولیتانو^۱، ۲۰۱۱ و کوپر و همکاران، ۱۹۹۲). براساس تحقیقات پیشین، یکی از دلایل نوشیدن الکل یا سوءمصرف مواد، مقابله این افراد با شرایط فشارزا است. سطح پایین تنظیم هیجانی (راهبردهای ناسازگارانه) که ناشی از ناتوانی در مقابله مؤثر با هیجان‌ها و مدیریت آن‌هاست، در ارتباط با دوستان منحرف نقش دارد. افرادی که تنظیم هیجان پایینی دارند، در پیش‌بینی خواسته‌های دیگران توانایی کمتری دارند. آن‌ها فشار خواسته‌های دیگران را نمی‌توانند درک کنند، در نتیجه در برابر رفتارهای انحرافی مقاومت کمتری دارند. شواهد بسیار زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد، ریسک‌پذیری، تکانش‌گری یا ناتوانی در تنظیم خودکنترلی و نارسایی در بازداری پاسخ، نقش مهمی در گرایش زنان بزهکار به اعتیاد و رفتارهای پرخطر جنسی دارد (اسکندری و هلمی^۲، ۲۰۱۴ و شاپر^۳، جوهرچی و ریحیم، ۲۰۱۴). تکانش‌گری یعنی رفتار بدون تفکر کافی و عمل سریع ذهن بدون دوراندیشی و قضاوت هشیار، پاسخ سریع بازداری نشده، پاسخ دادن بدون توجه به پیامدهای آن و ناتوانی در به تأخیر انداختن پاداش. افرادی که به‌صورت تکانشی رفتار می‌کنند خودآگاهی هیجانی مناسبی ندارند، لذا نمی‌توانند به‌سرعت و با دقت، تغییرات خلقی خود را شناسایی کرده و اطلاعات لازم را جهت کنترل و مقابله با هیجان‌ات به دست آورند. همچنین، تکانش‌گری، ناتوانی در کنترل خشم و بی‌ثباتی عاطفی جزء علائم تشخیصی اختلال شخصیت مرزی است که این اختلال در زنان شایع‌تر است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۰۰؛ به نقل از علیلو، قاسم پور، عظیمی، اکبری و فهیمی، ۱۳۹۱). یکی از راهبردهای سازگار تنظیم هیجان‌ات، ارزیابی مجدد (در ارزیابی مجدد، شخص درباره یک موقعیت فکر می‌کند تا اثر هیجانی آن را تغییر دهد) است که نتایج مطالعات نشان داده‌اند به‌کارگیری این راهبرد مثبت با علائم اختلال شخصیت مرزی، ارتباط منفی و معکوس دارد؛ یعنی استفاده کمتر از ارزیابی مجدد باعث افزایش صفات شخصیت مرزی همچون تکان شوری، بی‌ثباتی عاطفی و هیجانی می‌شود. فرونشانی به عنوان یک راهبرد منفی، توان پیش‌بینی تکانش‌گری شخصیت مرزی را دارد؛ زیرا آن‌ها

1. Leahy, Tirsch, Napolitano
2. Eskandari & Helmi
3. Shuper



مهارت اولیه برای مدیریت آسیب‌پذیری هیجانی‌شان را ندارند (علیلو و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین، می‌توان بیان کرد دلیل استفاده از راهبردهای نامناسب ناشی از فقدان کیفیت هیجانی، مهارت‌های هیجانی نامناسب و توانایی کمتر حل تعارضات است (مایر، کاروسو و سالوی، ۱۹۹۹؛ به نقل از ابوالقاسمی، اله قلیلو، نریمانی و زاهد، ۱۳۸۹). از دیگر مؤلفه‌های تنظیم هیجان، آگاهی هیجانی به معنای توانایی شناسایی و توصیف هیجانات خود و دیگران است. توانایی خودآگاهی برای فهم و تحلیل تجربه‌های هیجانی، به توانایی فهم بهتر خویشتن در محیط منجر می‌شود و تنظیم کارآمد هیجان و مقاوم بودن را پرورش می‌دهد. همچنین، خودآگاهی سبب می‌شود فرد در مورد ارتباط و علت هیجان‌ها اطلاعات کسب کند و درباره‌ی چرایی و چگونگی برانگیخته شدن در موقعیت‌های مختلف، آگاهی داشته باشد. لذا، افراد بزهکار به دلیل عدم آگاهی هیجانی و فقدان مهارت‌های هیجانی، قادر به تنظیم هیجانات خود به‌طور مناسب نیستند و در اثر بد تنظیمی هیجانی، به‌سوی رفتارهای مجرمانه سوق داده می‌شوند.

در مقایسه‌ی زنان بزهکار و عادی در به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای، نتایج نشان داد میزان به‌کارگیری راهبردهای هیجان مدار در زنان بزهکار با زنان عادی متفاوت است؛ به‌طوری که زنان بزهکار بیشتر از زنان عادی از راهبردهای هیجان مدار در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا استفاده می‌کنند. بنابراین، فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر این که «میزان به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار در زنان بزهکار بیشتر از زنان عادی است»، با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد. همچنین، نتایج نشان داد، میزان به‌کارگیری راهبردهای مسئله مدار در زنان بزهکار با زنان عادی متفاوت است؛ به‌طوری که زنان بزهکار کمتر از زنان عادی از راهبردهای مسئله مدار در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا استفاده می‌کنند. بنابراین، فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر این که «میزان به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار در زنان بزهکار کمتر از زنان عادی است»، با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد. در کل، نتایج نشان داد، به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای (مسئله مدار و هیجان مدار) زنان بزهکار کمتر از زنان عادی از راهبردهای مقابله‌ای در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا استفاده می‌کنند. بنابراین، فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر این که «میزان به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای در زنان بزهکار و عادی متفاوت است»، با اطمینان ۹۵ درصد تأیید شد.

آنچه سلامت روانی و کارکرد اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد خود استرس نیست، بلکه به‌کارگیری سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد و عدم کنترل هیجانات است. زنان بزهکار، از مهارت مقابله‌ای ضعیف و ناپخته‌ای جهت مواجهه با مشکلات زندگی برخوردار هستند. به‌طور مثال، برخی محققان در راستای مقایسه‌ی راهبردهای مقابله با استرس بین دو گروه وابسته به مواد و ترک کرده نشان دادند که افراد وابسته به مواد افیونی در مقایسه با افراد ترک کرده در هنگام مواجهه با استرس، بیش‌تر از روش‌های غیر مؤثر (تفکر خرافی، انکار، استفاده از دارو و غیره) استفاده می‌کنند (ارجمندقجور و اقبالی، ۱۳۹۴). ناآگاهی زنان بزهکار منجر به به‌کارگیری راهبردهای

اجتنابی و دوری از مواجهه مستقیم با موقعیت‌های دشوار در زندگی و تراکم استرس می‌شود. زنان بزهکار در هنگام برخورد با یک عامل استرس‌زای محیطی، به‌جای استفاده از راهبردهای مسئله‌مدار و حل موقعیت مشکل‌زا، بیشتر از راهبردهای هیجان‌مدار ناکارآمد مانند دوری جویی، خویش‌داری، گریز-اجتناب و مقابله استفاده می‌کنند. از آنجایی که سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار، پیش‌بینی‌کننده آشفته‌گی روانی شدید با بروز عواملی از جمله اضطراب، افسردگی و بی‌خوابی در زنان بزهکار است، بنابراین می‌توان گفت بین به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای هیجانی و بیماری‌ها و اختلالات روانی، رابطه دوطرفه وجود دارد که یکی منجر به دیگری می‌شود. همچنین، سبک‌های تنظیم شناختی هیجانی سازگار و ناسازگار با سبک‌های مقابله‌ای رابطه دارند، به‌طوری که ابعاد سبک‌های حل مسئله، مهارگری، خلاقیت، اعتماد و گرایش با سبک تنظیم هیجان شناختی سازگار و ابعاد هیجانی سبک مقابله‌ای با سبک تنظیم شناختی هیجانی ناسازگار ارتباط دارند. پس، چون مجرمان از هیجان‌های منفی و شناخت ناکافی و میزان کمتری از ابعاد شخصیت مثبت و بهنجار برخوردار می‌باشند، بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد و غیرسازنده استفاده می‌کنند (محبعلی و همکاران، ۱۳۹۵). برعکس این موضوع، جعفری، غضنفریان، علی‌اکبری و کمرزین (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند، آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به نوجوانان بزهکار ساکن در کانون اصلاح و تربیت بر تنظیم هیجانی مؤثر است. بنابراین، پیشنهاد می‌کنند در کانون‌های اصلاح و تربیت، مهارت‌های مقابله‌ای به مددجویان آموزش داده شود. همچنین، مطالعات تجربی نشان می‌دهد که تنظیم هیجان‌ها علاوه بر این که به سازگاری و شایستگی هیجانی فرد کمک می‌کند (آدامز و یلون، ۲۰۰۹؛ فیس^۱، همکاران، ۱۹۹۹ و گالیر و ایوانس^۲، ۲۰۰۱)، فرد را در رفتارهای سازگارانة اجتماعی نیز یاری می‌دهد (به نقل از ایزنبرگ و لوسویا، ۱۹۹۷). زنانی که در تعاملات اجتماعی قرار می‌گیرند، اما از نظر تنظیم هیجان‌های ضعیف هستند، رفتارهای بیرونی شده بیشتری را مانند خشم و زودرنجی از خود نشان می‌دهند که این می‌تواند منجر به کاهش سازگاری اجتماعی و دوری از قوانین و هنجارهای اجتماعی و در نهایت، بزهکاری شود. در این راستا، صدری دمیرچی و محمدی (۱۳۹۵) در مطالعه خود نشان دادند سازگاری اجتماعی و خودتنظیمی هیجانی زنان معتاد در مقایسه با زنان غیر معتاد، در سطح پایین‌تری هست.

در کل، با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت، زنان بزهکار دشواری بیشتری در تنظیم هیجان‌های دارند؛ بنابراین در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا بیشتر از راهبردهای هیجانی و کمتر از راهبردهای حل مسئله استفاده می‌کنند. همچنین، این افراد توانایی کمتری در ایجاد روابط مؤثر و سازگاری اجتماعی دارند. بر این اساس، جهت پیشگیری اولیه پیشنهاد می‌شود، این ویژگی‌ها از همان سال‌های قبل از نوجوانی توسط والدین و مراکز

1. Adams, Yelon

2. Fibes

3. Galeyr, Ivans



آموزشی و روان‌شناختی شناسایی شوند تا براساس آگاهی بیشتر و آموزش مناسب، از بزهکاری به‌خصوص در زنان پیشگیری کنند. پیشنهاد می‌شود رسانه‌ها، مراکز آموزشی و فرهنگی و مدارس، با آموزش‌های مناسب مانند آموزش روابط صحیح بین فردی، مهارت‌های ارتباط مؤثر، جرأت ورزی، کنترل خشم و پرخاشگری، آموزش مهارت‌های زندگی و آموزش حل مسئله، علاوه بر افزایش سازگاری اجتماعی نوجوانان و جوانان، باعث کاهش مشکلات روانی و جلوگیری از گرایش آن‌ها به رفتارهای پرخطر و بزهکارانه شوند. پیشنهاد می‌شود روش‌های مقابله‌ای مناسب، مهارت‌های تنظیم هیجانات و شیوه‌های مناسب روابط اجتماعی به‌خصوص در دوران حساس نوجوانی که نوجوانان با شرایط بحرانی بیشتر و جدیدتری روبه رو می‌شوند، آموزش داده شود؛ زیرا این مهارت می‌تواند آن‌ها را در برخورد و حل مشکلاتشان کمک بسیاری کند. بنابراین، هم در گروه نوجوانان عادی به عنوان اقدامات پیشگیرانه و هم در کانون‌های اصلاح و تربیت به عنوان یکی از روش‌های درمانی - آموزشی به نوجوانان بزهکار، این مهارت‌ها آموزش داده شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود سازمان‌های حمایتی با تلاش در توانمندسازی زنان خصوصاً سرپرستان خانوار و تخصیص بودجه‌های مناسب برای خوداشتغالی و کارآفرینی زنان، نقش مهمی در پیشگیری از انحراف زنان ایفا کنند.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از مراکز اصلاح و تربیت و زندان‌های زنان و مراکز مداخله در بحران بهزیستی شهرهای شرق استان تهران، جهت همکاری در اجرای طرح پژوهشی قدردانی می‌شود.

منابع

منابع فارسی

- ابوالقاسمی، عباس؛ اله قلیلو، کلثوم؛ نریمانی، محمد و زاهد، عادل (بهار ۱۳۸۹). راهبردهای تنظیم هیجان در سوء مصرف کنندگان مواد دارای واکنش‌پذیری بالا و پایین. مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان. ۲۰(۷۷)، صص ۲۲-۱۵. بازیابی از: <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=122602>
- ابوالقاسمی، عباس؛ احمدی، آملی و محسن، کیامرثی آذر (تابستان ۱۳۸۶). بررسی ارتباط فرانشاخت و کمال‌گرایی با پیامدهای روان‌شناختی در افراد معتاد به مواد مخدر. تحقیقات علوم رفتاری. ۵(۲)، صص ۷۳-۷۹. بازیابی از: <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=85377>
- احمدی طهور، محسن و نجفی محمود (زمستان ۱۳۹۰). مقایسه باورهای فرانشاختی و تحمل ابهام در افراد معتاد، سیگاری و عادی. روانشناسی بالینی. ۳(۴)، صص ۵۹-۶۷. بازیابی از: <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=149844>
- ارجمندقچور، کیومرث و اقبالی، علی (بهار ۱۳۹۴). مقایسه الگوهای شخصیتی، راهبردهای مقابله با استرس و سبک‌های اسنادی بین افراد وابسته به مواد افیونی و ترک کرده، شخصیت و تفاوت‌های فردی. ۷(۴)، صص ۲۵-۴۶. بازیابی از: <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=251005>
- افشانی، سید علیرضا و عباسی، نسرن (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله با استرس بر سلامت روان و عزت‌نفس دانش آموزان دختر پایه اول دبیرستان‌های شهرستان یزد. دو فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره. ۴(۸)،

- صص ۹۷-۱۰۹. بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1088623>
- باباخانی، نرگس؛ بدیعی، هانیه و پاکدامن ساوجی، سحر (۱۳۹۴). نقش زنان دانشگاهی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خانواده. فصلنامه پژوهش اجتماعی. ۶(۲۶)، صص ۱۱۳-۱۳۶. http://jsr.riau.ac.ir/article_991.html
- برادرشاد، نسرين؛ معنوی پور، داوود و باغدارساریانس، آنتیا (پاییز ۱۳۹۰). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسش‌نامه روان‌شناختی کالیفرنیا در کارکنان پالایشگاه نفت شهرآبادان. تازه‌های روان‌شناسی صنعتی - سازمانی. ۸(۱)، صص ۶۱-۷۰. بازیابی از: http://psy.journals.iau-garmsar.ac.ir/article_538136.html
- جعفری، عیسی؛ غضنفریان، فریبا؛ علی‌اکبری، مهناز و کمرزرین، حمید (بهار و تابستان ۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله‌ای بر تنظیم هیجانی در نوجوانان بزهکار. دوفصلنامه دستاوردهای روان‌شناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی). ۳۴(۱)، صص ۹۷-۱۱۰. بازیابی از: <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=301969>
- حجازی، سارا؛ امیری، شعله؛ محمدیان، احمد و ملک پور، مختار (بهار و تابستان ۱۳۸۵). بررسی اثربخشی آموزش گروهی حل مسئله بر میزان سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به اختلال خلقی دوقطبی. دوفصلنامه تحقیقات علوم رفتاری. ۴(۱ و ۲)، صص ۵۲-۵۸. بازیابی از: <http://rbs.mui.ac.ir/index.php/jrbs/article/view/16>
- حسینی، رویا (۱۳۹۳). رابطه دشواری در خودتنظیمی هیجانی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زنان معتاد و مقایسه با زنان عادی (غیر معتاد) تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- خانجانی، زینب؛ ارغوانیان، ژیلا و مهدویان، هوشنگ (زمستان ۱۳۹۰). بررسی اختلالات شخصیت در بزهکاران و افراد عادی. پژوهش‌های نوین روان‌شناختی. ۶(۲۴)، صص ۵۹-۷۵. بازیابی از: <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=211262>
- رامشت، مریم و فرشاد، سیامک (۱۳۸۳). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی در پیشگیری از سوء‌مصرف مواد دانشجویان. دومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان. صص ۷۰-۷۲. بازیابی از: <http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=154936>
- رضایی، سعید؛ خرازی، کمال؛ حجازی، الهه و افروز، غلامعلی (تابستان ۱۳۸۶). تحلیل تأثیر ابعاد اجتماعی - خانوادگی و ویژگی‌های شخصی؛ شناختی در به وجود آمدن بزهکاری. روان‌شناسی کاربردی. ۱(۴)، صص ۴-۱۴. بازیابی از: <http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=115631>
- رنجبرنوشری، فرزانه؛ محمود، علیلو؛ مجید، اسدی مجره؛ قدرتی، سامره یلدا و نجارمبارکی، سیده مهسا (بهار ۱۳۹۲). مقایسه راهبردهای مقابله با استرس، کمال‌گرایی و خودکارآمدی در افراد مبتلا به اختلال مصرف مواد و افراد بهنجار. اعتیاد پژوهی. ۷(۲۵)، صص ۳۹-۵۶. بازیابی از: <http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=188883>
- زارعی دوست، الهام؛ عاطف وحید، محمد کاظم؛ بیان زاده، سید اکبر و بیرشک، بروز (پاییز ۱۳۸۶). مقایسه منبع کنترل، شیوه‌های مقابله و باورهای غیرمنطقی در زنان روسپی و عادی شهر تهران. روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران. ۱۳(۳)، صص ۲۷۲-۲۷۹. بازیابی از: <http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=66545>
- شایگان، فریبا و معتمدی، صدیقه (بهار ۱۳۹۳). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در بزهکاران؛ مقایسه زنان بزهکار با زنان غیر بزهکار تحت پوشش بهزیستی رباط کریم. مطالعات راهبردی زنان. ۱۶(۶۳)، صص ۱۶۳-۱۹۸. بازیابی از: http://www.jwss.ir/article_12031.html
- صدری دمیرچی، اسماعیل و محمدی، نسیم (زمستان ۱۳۹۵). مقایسه سازگاری اجتماعی، خود نظم دهی و باورهای دینی زنان معتاد و عادی شهر ارومیه. پژوهش در دین و سلامت. ۳(۱)، صص ۵۶-۶۳. بازیابی از: <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=278813>
- صفرپور، اعظم (۱۳۹۳). مقایسه روابط میان ادراک از شیوه‌های تربیتی والدین و خودتنظیمی هیجانی با سازگاری اجتماعی در نوجوانان عادی و بزهکار شهر تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

- عباسی نیا، محمود (۱۳۹۰). ارتباط سبک‌های مقابله‌ای با سلامت روانی و تعدیل اجتماعی دانش‌آموختگان دوره کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- عطاری، یوسف علی؛ شهنی ییلاق، منیجه؛ کوچکی، عاشورمحمد و بشلیده، کیومرث (پاییز ۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش گروهی مهارت‌های اجتماعی در سازگاری فردی - اجتماعی نوجوانان بزهکار شهرستان گنبد کاووس. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*. ۱۲(۳)، صص ۲۵-۴۶. بازیابی از: <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=38511>
- علوی، خدیجه؛ مدرس غروی، مرتضی؛ امین یزدی، سید امیر و صالحی فردی، جواد (خرداد و تیر ۱۳۹۰). اثربخشی رفتاردرمانی دیالکتیکی به شیوه گروهی؛ با تکیه بر مؤلفه‌های هوشیاری فراگیر بنیادین، تحمل پریشانی و تنظیم هیجانی بر نشانه‌های افسردگی در دانشجویان. *دوماهنامه اصول بهداشت روانی*. ۱۳(۵۰)، صص ۳۵-۱۲۴. بازیابی از: http://jfmh.mums.ac.ir/article_881_213.html
- علیلو، محمود مجید؛ قاسم پور، عبدالله؛ عظیمی، زینب؛ اکبری، ابراهیم و فهیمی، صمد (تابستان ۱۳۹۱). نقش راهبردهای تنظیم هیجانی در پیش‌بینی صفات شخصیت مرزی. *اندیشه و رفتار*. ۶(۲۴)، صص ۹-۱۸. بازیابی از: <http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=215289>
- لی هی، رابرت ال؛ تیرج، دنیس دی و ناپولیتینا، لیزا (۱۳۹۳). تکنیک‌های تنظیم هیجان در روان‌درمانی (عبدالرضا منصوری راد، مترجم). تهران: انتشارات ارجمند.
- محبعلی، مجید؛ پور معروف، محمد؛ الهی، فاروق و جلالی، سید جلال (زمستان ۱۳۹۵). بررسی ارتباط سبک‌های مقابله‌ای مجرمان با صفات شخصیتی و سبک‌های تنظیم هیجان شناختی. *فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی*. ۹(۳۳)، صص ۱۰۳-۱۱۶. بازیابی از: http://westaz.jrl.police.ir/content.php?pagename=show-article &request_id=124423 &journal_id=39
- نریمانی، محمد؛ یاقوتی زرگر، حسن؛ ابوالقاسمی، عباس؛ نصراللهی، عباس؛ احمدی، وحید؛ دادفر، رضا و شیخ اکبری فرشاد (۱۳۹۳). اثربخشی حساسیت‌زدایی با حرکات چشم و پردازش مجدد در افزایش سازگاری اجتماعی عاطفی و بهداشتی زندانیان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام*. ۲۲(۱)، صص ۵۲-۵۸. بازیابی از: http://sjimu.medilam.ac.ir/browse.php?a_id=1355&sid=1&slc_lang=fa
- نواح، عبدالرضا؛ کوپایی، محمدباقر (بهار ۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و شخصیتی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. ۴(۲)، صص ۱۳۱-۱۴۳. بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/creator/283956>

منابع انگلیسی

- Baurain C, Nader-Grosbois N, Dionne C. (2013). Socio-emotional regulation in children with intellectual disability and typically developing children, and teachers' perceptions of their social adjustment. *Research in Developmental Disabilities*. 34(9), pp 2774-2787. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/23810924>.
- Carroll A, Gordon K, Haynes M, Houghton S. (2013). Goal Setting and Self-Efficacy among Delinquent, At-Risk. *J Youth Adolescence and Not At-Risk Adolescents*, 42(3), pp431-443. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/22836939>.
- Chan, H.Ch., Chui, W.H. (2015). The influence of low self-control on violent and nonviolent delinquencies: a study of male adolescents from two Chinese societies. *The Journal of Forensic Psychiatry & Psychology*. 28(5). Retrieved from : <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/14789949.2015.1012534?journalCode=rjfp20>.
- Chinaveh, M., Ishak, M., N., & Salleh, M., A. (2010). Improving Mental Health and Academic Performance through Multiple Stress Management Intervention: Implication for Diverse

- Learners, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 7, 311-316. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042810020471>.
- Claes L, Bijttebier P, Van den Eynde F, Mitchell J, Faber R, De Zwaan M, (2010). Emotional Reactivity and Self- Regulation in Relation to Compulsive Buying. *Personality and Individual Difference*.49(5),pp526–30. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0191886910002606>.
 - Cooper,M.L.,Russel,M,skinner,J.B.,frone,M.R.,&Mudar, P. (1992). Stress and alcohol use: moderating effects of gender, coping, and alcohol expectancies. *Journal of Abnormal Psychology*. 101(1), pp 139- 152. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/1537960>
 - Eisenberg, N., & Losoya, S. (1997). Emotional responding: Regulation, social correlates & socialization. In P. Salovey & D. Sluyter (Eds.), *Emotional development and emotional intelligence: Educational implications*. New York.
 - Eskandari, H; Helmi, S. (2014). The role of impulsivity, risk-taking, and sensation-seeking in people prone to substance abuse. *Applied Psychology*. 6: 48-60.Retrieved from: <http://apsy.sbu.ac.ir/issue/archive>.
 - Folkman, S., & Moskowitz, J. T. (2004). Coping: pitfalls and promise. *Annual Review of Psychology*, 55(1),pp 745-774. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/14744233>.
 - Garber,j.; Keily. M.K. & Martin, N.C. (2002). Development trajectories of adolescence depressive symptoms: predictors of change. *Journal of counseling and clinical psychology*, 70(1), pp79 95. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/11860059>
 - Gardner TW, Dishion TJ, Connell AM. (2008). Adolescent Self-Regulation as Resilience: Resistanceto Antisocial Behavior within the Deviant Peer Context. *Journal Abnorm Child Psychol*. 36(2),pp 273–284. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/17899361>.
 - Gratz,K.L.and Roemer,L. (2004) Multidimensional Assessment of Emotion Regulation and Dysregulation: Development, Factor Structure, and Initial Validation of the Difficulties in Emotion Regulation Scale1. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 26(1),pp41-56. Retrieved from: <https://pdfs.org/f8aa/7132fe92fd06b13a43bd742fb9f5d3b18214.pdf>
 - Haren, E. G., & Mitchell, C. W. (2003). Relationship between the five-factor personality Model and coping styles. *Psychology & Education: An Interdisciplinary Journal*, 40 (1),pp38-49. Retrieved from: <http://psycnet.apa.org/record/2003-03512-010>
 - John OP, Robins RW, Pervin LA. (2011). *Handbook of Personality Third Edition Theory and Research*. New york, London: The Guilford press.
 - Lazarus, R. S., & Folkman (1984). Coping and adaptation In W. D. Gentry (Ed.), *Hand book behavioral medicine* (pp: 87-116). New York: Guilford press.
 - Meijer, A.S., Sinnema, G., Bijstra, J.O., Mellenbergh, G., & Wolters.W.H. (2002). Coping styles and locus of control as predictors for psychological adjustment of adolescents with a chronic illness, *Soc Sci Med*, 54(9),pp1453-61. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/12058860>
 - Nas, C.N & De Castro, B.O., Koops, W. (2005). Social Information Processing in Delinquent adolescents. *Psychology, Crime & Law*. 11(4), pp363-375. Retrieved from: <http://psycnet.apa.org/record/2005-13043-005>
 - Nikmanesh, N. Kazemi, Y., Khosravy, M. (2014). Study Role of Different Dimensions of Emotional Self-Regulation on Addiction Potential. *Journal of Family Reprod Health*. 8(2),pp 69–72. Retrieved from : <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4064769/>
 - Penley, J. A., & Tomaka, J. (2002). Associations among the Big five, emotional responses, and



- coping with acute stress. *Personality and Individual Differences* 32(7), pp1215-1128. Retrieved from: <http://psycnet.apa.org/record/2002-01227-009>
- Perry, N., Calkins, S.D., Dollar, J.M., Keane, S.P. and Shanahan, L. (2017). Self-regulation as a predictor of patterns of change in externalizing behaviors from infancy to adolescence. *Development and Psychopathology* 30(2), pp 497-510. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/28641597>
 - Rahmati B, Adibrad N, Tahmasian K, Saleh sedghpour B. (2010). The Effectiveness of life skill training on Social adjustment in Children. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5: 870-874. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042810015752>
 - Ruchkin, V. & Eisemann, M., Hagglof, B. (1999). Coping Styles Delinquent of Adolescents and Controls: The Role of Personality and Parental Rearing. *Journal of youth and adolescent*. 28(6), pp705-717. Retrieved from: <https://link.springer.com/article/10.1023/A:1021639617667>
 - Shuper, Paul A; Joharchi, N. Rehem, J. (2014). Personality as a Predictor of Unprotected Sexual Behavior Among People Living with HIV: A Systematic Review. *AIDS and Behavior*. 18(2), pp 398-410. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/23835736>
 - Sinha, S. (2010). Adjustment and mental health problem in prisoners. *Industrial Psychiatry Journal*. 19(2), pp101-104. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3237124/>
 - Tarantino, N., Lamis, Dorian, A., Ballard, E. D., Masuda, A., Dvorak, R. D. (2015). Parent-child conflict and drug use in college women: A moderated mediation model of self-control and mindfulness. *Journal of Counseling Psychology*. 62(2), pp303-313. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4175297/>